

«نوجوانی»

معمایی پیچیده‌تر از یک جنایت

درباره‌مینی‌سریال «نوجوانی» که به‌خاطر هشدارهای تلخ‌اما مهمش درباره‌سبک زندگی نسل‌های جدید به‌شدت

مورد توجه قرار گرفته‌و بسیاری از کارشناسان معتقدند همه‌والدین باید به‌تماشایش بنشینند

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار



پرونده

تعطیلات نوروز فرصتی طلایی برای خیلی‌ها فراهم کرد تا سراغ آثار روز حوزه فیلم و سریال جهان بروند. یکی از برجسته‌ترین آثار این مدت که با واکنش‌های شگفت‌انگیزی مواجه شد و موج زیادی در دنیا حتی بین کاربران ایرانی ایجاد کرد، مینی‌سریالی چهار قسمتی است به نام «نوجوانی» (Adolescence). اثری درباره یک نوجوان ۱۲ ساله که متهم به قتل هم‌کلاسی‌اش شده. بسیاری از تماشاگران شاید انتظار سریالی پر از گره‌افکنی‌های جنایی یا جدال حقوقی را داشتند، اما سریال راه متفاوتی را در پیش گرفت و به‌جای آن که صرفاً تلاش کند نشان دهد «چه کسی» مرتکب جنایت شده، بر واگوی «چرا»ها تمرکز کرد. «نوجوانی» نه تنها به عنوان اثر هنری بی‌نظیر مورد ستایش قرار گرفت، بلکه محتوایش به‌طور خاص والدین و مسئولان آموزشی را مخاطب قرار داد. داستان آن از جنایتی آغاز می‌شود که به دست هم‌کلاسی ۱۲ ساله‌مقتول رخ داده، اما در همان نقطه متوقف نمی‌شود. «نوجوانی» به لایه‌های زیرین زندگی نوجوانان در دنیای امروز می‌پردازد: تأثیرات شبکه‌های اجتماعی، بحران‌های هویتی، فشار همسالان و اشتباهات والدین. این اثر که با تکنیک‌های بدیع روایی و سینمایی ساخته شده است، آینه‌ای برای شناخت حقایق پنهان دوران نوجوانی است. پرونده‌ای که در ادامه می‌خوانید، مروری جامع و دقیق بر این سریال خواهد بود: از داستان پردازی تا پیام‌های اجتماعی و ضرورت‌هایی که ما را وادار می‌کند نگاهی دوباره به سبک زندگی و نگاهمان به فرزندان ببندازیم.

جنایتی فراتر از یک قتل

چگونه‌هر اپیزوداز سریال، ما را به عمق دنیای نوجوانان می‌برد؟



«نوجوانی» داستان قتل دختری نوجوان را روایت می‌کند؛ قتلی که مظنون اصلی آن، هم‌کلاسی پسر مقتول است. این سریال، اما به سبک رایج سریال‌های معمایی، مخاطب را به دنبال این که قاتل چه کسی است و... نمی‌فرستد. بلکه‌هر اپیزود به‌عنوان قطعه‌ای از پازل پیچیده طراحی شده که گام‌به‌گام، شمایل جامعه نوجوانی امروز را به تصویر می‌کشد.

اپیزود اول: آغاز بحران

مقدمه‌ای بر فضای زندگی نوجوانانی است که تحت فشار خانواده و مدرسه زندگی می‌کنند. اما سریال با هر لحظه پیشروی، ما را عمیق‌تر وارد لایه‌های پنهان‌تر زندگی آن‌ها می‌کند؛ رقابت بی‌رحمانه در فضای مجازی، استانداردهای مسموم زیبایی و اضطراب ناشی از تلاش برای جلب توجه و پذیرش اجتماعی. با همان تماشای چند دقیقه اول متوجه یک نکته مهم می‌شویم؛ این که یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های روایی این سریال، سیال بودن دوربین است. دوربینی که هیچ‌گاه در یک موقعیت ثابت نمی‌ماند، همان‌گونه که ذهن نوجوانان در این سن از لحظه‌ای به لحظه دیگر تغییر می‌کند. تک‌سکانس بودن هر اپیزود هم به‌شدت تجربه دیداری مخاطب را تشدید و او را در دل بحران غاغر می‌کند. این تکنیک‌های سینمایی تجربه‌ای عمیق و زیباشناختی از روایت پردازی به معان آورده است.

اپیزود دوم: دنیای آشفته نوجوانان

روی روابط میان شخصیت‌ها تمرکز می‌کند؛ از تعاملات ساده میان هم‌سن‌وسالان گرفته تا اثرات مخرب شبکه‌های اجتماعی. این اپیزود لحظه‌ای عجیب، اما واقعی را روایت می‌کند که در آن مخاطب می‌بیند نوجوانانی که در ظاهر شاد و بی‌خیال هستند، در لایه‌های درون خود عمیقاً غرق در بحران‌اند. اپیزود دوم که در مدرسه است چند لحظه شاهکار دارد، وقتی که می‌بینیم معلمان مدرسه بی‌خیال و بی‌توجه هستند و پلیسی که در مدرسه حضور دارد باورش نمی‌شود هر روز فرزندش را برای تحصیل به چنین محیطی می‌فرستد که در ظاهر امن است. از طرفی در همین زمان است که او می‌فهمد اساساً پادنیای نوجوانان بر غم‌شغلی و داشتن یک فرزند نوجوان کاملاً بیگانه بوده؛ طوری که فرزندش باید گره‌ماچ را برایش باز کند.

اپیزود سوم: زنجیره آسیب‌های روانی

قسمت سوم سریال «نوجوانی» با محوریت دیدار جیمی و روان‌شناس جنایی (برونو آریستون) یک فضای تنش‌زا و روان‌شناختی عمیق را بررسی می‌کند. این اپیزود به شکلی هنرمندانه برخی از پیچیدگی‌های روانی مرتبط با افراد آسیب‌دیده، از جمله خشم کنترل نشده، تلاش برای جلب قدرت و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد. رفتار جیمی، که بین مهربانی و خشم ناگهانی در نوسان است، یکی از شاخص‌ترین عناصر این اپیزود به‌شمار می‌رود. این نوسانات عاطفی به خوبی نشان‌دهنده خشم سرکوب‌شده او نسبت به تحقیر اجتماعی است که تجربه کرده. تحقیر توسط کیتی (در اینستاگرام) باعث ناامنی شدید در جیمی شده؛ موضوعی که می‌تواند هسته اصلی واکنش‌های خشونت‌آمیز او باشد. تغییر ناگهانی عواطف جیمی احتمالاً نتیجه خشم فروخورده و اختلال کنترل تکانه، همراه با نیاز شدید به پذیرفته شدن و تأیید شدن از افراد پیرامون اوست. یکی از نقاط اوج این اپیزود، جایی است که جیمی با استیصال

از روان‌شناس می‌پرسد آیا دیدگاه او نسبت به خودش مثبت است. این لحظه از نظر روان‌شناختی بسیار قابل توجه است. جیمی که از طرد اجتماعی رنج می‌برد، تلاش می‌کند از روان‌شناس به‌عنوان نمادی برای بازسازی اعتماد به نفس از دست‌رفته‌اش استفاده کند. بخشی از مصاحبه که جیمی در آن به سوءاستفاده از آسیب‌پذیری کیتی اعتراف می‌کند، به ابهامم اجتماعی و روانی اشاره دارد. قصه در این بخش بر پیامدهای روان‌شناختی تحقیر اجتماعی تأکید می‌کند؛ نقش آسیب‌های محیطی، تعاملات دیجیتال و نابرابری‌ها در شکل‌گیری رفتارهای ناپهنجار برجسته می‌سازد.

اپیزود چهارم: فروپاشی یک خانواده

در خانواده جیمی، والدین درگیر مجموعه پیچیده‌ای از عواطف می‌شوند. مادر جیمی دچار احساس سنگین گناه و مسئولیت‌پذیری می‌شود و مدام تلاش می‌کند توجهی برای رفتار پسرش پیدا کند. این توجه‌ها نشان‌دهنده مکانیزم دفاعی «انکار» است که در روان‌شناسی برای کاهش بار روانی ناشی از یک واقعیت درناک استفاده می‌شود. برعکس، پدر جیمی واکنش متفاوتی نشان می‌دهد؛ او سرزنش را به سمت دیگران، از جمله قربانی (کیتی) یا حتی جامعه و سیستم قضایی، معطوف می‌کند. این واکنش، بازتاب ناتوانی او در پذیرش اشتباهات تربیتی خودش و به معنای طرد مسئولیت از سوی اوست. این قسمت همچنین انتقادی مستقیم به نقش جامعه در عمیق‌تر کردن بحران‌های خانوادگی وارد می‌کند. انتشار اخبار حادثه و قضاوت عمومی پیرامون آن، فشارهای مضاعفی بر هر دو خانواده وارد می‌سازد. خانواده جیمی با انگ «والدین یک قاتل» مواجه‌واز سوی همسایگان طرد می‌شوند. انگ اجتماعی که می‌تواند در جوامع کوچک‌تر با محافظه‌کارتر اثرات مخرب‌تری داشته‌باشد، باعث انزوی خانواده و کاهش قدرت مقابله آن‌ها می‌شود.

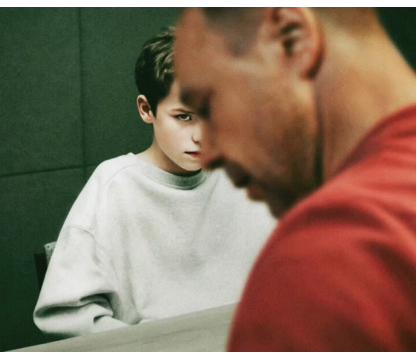
روان‌شناسی ۲ شخصیت اصلی

با مرور قصه و ابعاد اتفاقات، فرصت بهتری برای تحلیل دو شخصیت اصلی داریم. قاتل، نوجوانی که در ظاهر آرام و عادی به نظر می‌رسد، در واقع نمادی از یک قربانی است. او قربانی فشارهای اجتماعی، انتظارات بالای والدین و ناتوانی در برقراری ارتباط عاطفی سالم است. روان‌شناسان بر این باورند که چنین نوجوانانی، به دلیل کمبود توجه و محبت، به دنبال راهی برای ابراز وجود هستند. این ابراز وجود، متأسفانه، گاهی به شکل خشونت‌آمیز بروز می‌کند. (نقل از: نظریه دیلسنگی جان باولبی و نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا).
مقتول هم، به نوبه خود، نمایانگر آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر خطرات فضای مجازی است. او دختری است که به دنبال یافتن هویت خود در شبکه‌های اجتماعی است و در این راه، قربانی استانداردهای غیرواقعی و قضاوت‌های بی‌رحمانه می‌شود. جامعه‌شناسان معتقدند که شبکه‌های اجتماعی، با ایجاد فضایی رقابتی و پر تنش، باعث افزایش استرس و اضطراب در میان نوجوانان می‌شوند. البته تکنیک‌های روایی و سینمایی به کار رفته در سریال، نه تنها جذابیت بصری آن را افزایش می‌دهند، بلکه به انتقال بهتر پیام‌ها کمک می‌کنند. استفاده از نماهای طولانی و بدون قطع، حس بی‌قراری و سردرگمی را در مخاطب ایجاد می‌کند. دوربین سیال، با حرکت مداوم خود، حس تعلیق و اضطراب را تشدید می‌کند. بازی‌های طبیعی و باورپذیر بازیگران نوجوان، باعث می‌شود که شخصیت‌ها برای مخاطب قابل لمس و واقعی به نظر برسند.



چرا نوجوانی را نباید نادیده گرفت؟

منتقدان بسیاری از جمله پایگاه‌هایی چون ورایتی و نیویورک تایمز، این سریال را اثری تکان‌دهنده توصیف کرده‌اند که خانواده‌ها را وارد گفتوگویی جدی درباره شیوه فرزندپروری می‌کند. (منابع: Slate, The New York Times) این اثر به نوعی والدین را وارد ذهنیت کودک می‌کند که در ظاهر بی‌مشکل به نظر می‌رسند، اما در واقع تحت فشار دایم حضور در دنیای مجازی و قضاوت‌های اجتماعی زندگی می‌کنند.



نگاهی انتقادی به شبکه‌های اجتماعی

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای «نوجوانی»، نگاه واقع‌گرایانه و انتقادی به شبکه‌های اجتماعی است. سازندگان نشان داده‌اند چگونه پلتفرم‌ها، به‌ویژه برای نوجوانان، از یک محفل سرگرمی به عرصه‌ای خطرناک و پر تضاد بدل شده‌اند. نوجوانان در دنیای این شبکه‌ها باز سنسز، استانداردهای غیرواقعی زیبایی و فشارهای روانی ناشی از لایک و کامنت مواجه‌اند. چهره کودکانه، هوش بالا و خانواده‌ای که برای فرزندانشان بهترین‌ها را می‌خواهند، شاید در نگاه اول نتواند قاتل این داستان را توضیح دهد. اما سریال هوشمندانه دلایل این رفتارها را در نقش سیستم‌های اجتماعی و والدین جست‌وجو می‌کند. «نوجوانی» به ما نشان می‌دهد که نه فقط قاتل، بلکه حتی قربانی هم محصول انفعال اجتماعی هستند که در حمایت از رشد سالم نسل‌ها کوتاهی کرده است.

پلی میان والدین و دنیای نوجوانان

با استفاده از زبان، فرهنگ و رفتارهای نوجوانانه، سریال تلاش می‌کند والدین را پادنیای درونی فرزندانشان آشنا کند: از ایموچی‌هایی که به‌عنوان ارتباط مخفی استفاده می‌شوند تا نحوه تعامل نوجوانان با دوستانشان در فضای مجازی که به شدت با مدل ارتباطات سنتی متفاوت است. علاوه بر این، سریال نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به مکانی برای قلدری و آزار و اذیت تبدیل شوند. نوجوانان در این فضا به راحتی قضاوت و تحقیر می‌شوند؛ این مسئله می‌تواند منجر به افسردگی و اضطراب شود. سریال «نوجوانی» با به تصویر کشیدن این مسائل، به والدین هشدار می‌دهد که باید نظارت بیشتری بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان خود داشته باشند و آن‌ها را در برابر خطرات این فضا آگاه‌سازند.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

۶ شوال ۱۴۴۶ • ۵ آوریل ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۳۵

۲۹۵۴

«نوجوانی» و بازتعریف زندگی اجتماعی

خانواده‌ها

سریال نه تنها به مشکلات نوجوانان، بلکه به سیستم‌های حمایتی که باید محیط آن‌ها را شکل دهند (والدین، مدرسه و اجتماع) هم اشاره می‌کند. در عصر دیجیتال، فناوری ستون اصلی سبک زندگی خانواده‌ها شده است. والدینی که خود درگیر تلفن همراه، کارهای دیجیتال و اجتماعی هستند، شاید حتی متوجه تغییرات عمیق روان‌شناختی فرزندانشان نشوند. از دست دادن گفت‌وگوهای صمیمی خانوادگی، کاهش توجه به علایم روانی فرزندان و ایجاد فاصله میان نسل‌ها، برخی از اثرات ملموس این سبک زندگی جدید است. از این‌رو، «نوجوانی» تلنگری است که ما را به بازاندیشی سبک زندگی دیجیتال مان وامی‌دارد. این سریال به ما می‌گوید همین که هرچه را کودک خواست، فراهم و تصور کنیم در داخل خانه و پشت رایانه یا گوشی همه چیز برای فرزندمان امن و امان است، تصویری کاملاً اشتباه است. البته «نوجوانی» نه تنها خانواده‌ها، بلکه سیاست‌گذاران و مسئولان آموزشی را هم به چالش می‌کشد. نظام آموزشی باید به نوجوانان مهارت‌های لازم برای زندگی در دنیای دیجیتال را بیاموزد. آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه اطلاعات را به‌طور انتقادی ارزیابی کنند، چگونه در برابر قلدری و آزار و اذیت مقاومت کنند و چگونه هویت خود را در فضای مجازی حفظ کنند. علاوه بر این، سیاست‌گذاران باید قوانینی را وضع کنند که از حقوق نوجوانان در فضای مجازی محافظت کند.

برای ارتباط بهتر با نوجوان چه کنیم؟

اگر سریال «نوجوانی» را دیده‌اید و احساس نگرانی نسبت به شکاف‌های احتمالی در روابط خود با فرزندتان دارید، وقت آن است که دست به کار شوید! این سریال بازتابی از چالش‌های خانوادگی، والدگری و بحران هویت دوران بلوغ ارائه می‌دهد و شما به عنوان والدین می‌توانید از فرصت تماشای آن برای بهبود روابط خود با فرزندتان استفاده کنید.

نقش گفت‌وگو و اعتماد

سریال بر اهمیت گفت‌وگو و اعتماد تأکید زیادی دارد. والدین می‌توانند از این رویکرد استفاده کنند و به جای تحمیل نظر، بشنایند، بیان کنند، شنونده‌ای فعال باشید. توافق درباره قوانین خانوادگی و صحبت درباره انتظارات، به کاهش تنش‌ها کمک می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که روابط خانوادگی صمیمی و مبتنی بر اعتماد، تأثیر مثبتی بر شخصیت نوجوانان دارد و از تشدید احساس بیگانگی در آنان جلوگیری می‌کند.

در مسیر والدگری درست

فضای گفت‌وگو فراهم کنید: از فرزندتان بخواهید احساسات خود را در خصوص مشکلاتی که با آن مواجه شده است، بیان کند. شنونده‌ای فعال باشید.

حمایت عاطفی ارائه دهید: نوجوانان در دوران بلوغ با تغییرات جسمی و روانی مواجه می‌شوند؛ حمایت عاطفی از آنان، اعتماد به نفس و امنیت روانی آن‌ها را تقویت می‌کند. **استقلال فرزندتان را به رسمیت بشناسید:** به جای انتقاد، سعی کنید ضمن نظارت، به آن‌ها اجازه دهید تصمیم‌های مهم را تحت راهنمایی شما بگیرند.

تقویت روابط خانوادگی: برنامه‌هایی مشترک نظیر غذا خوردن خانوادگی، سفر یا فعالیت‌های تفریحی را در اولویت قرار دهید.

الگوی خوب: سعی کنید دنیای فرزندتان را بشناسید، با او به سینما بروید، موسیقی هایش را دنبال کنید، به شبکه‌های اجتماعی حضور فعال داشته باشید و در استفاده درست از همه این‌ها الگوی خوبی باشید.

بحران هویت در دوران بلوغ

یکی از محورهای اصلی سریال «نوجوانی»، بحران‌های هویتی است که نوجوانان با آن مواجه می‌شوند. دوران بلوغ زمانی است که فرد با پرسش‌های اساسی درباره معنای خود و جایگاهش در جامعه روبه‌رو می‌شود. این بحران‌ها می‌تواند تحت تأثیر عواملی از قبیل گروه‌های همسن و سالان، رسانه‌های اجتماعی و شخصیت‌های مرجع قرار گیرد. مهم‌ترین هشدار سریال، تأثیر منفی شبکه‌های اجتماعی و اینفلوئنسرهای مخرب است. این شخصیت‌های مجازی اغلب ارزش‌هایی سطحی یا ناسالم را به نوجوانان القامی‌کنند و می‌توانند تمرکز آن‌ها را از هویت واقعی و مفید منحرف‌سازند. والدین باید نسبت به مصرف رسانه‌ای فرزندان خود هوشیار باشند و آن‌ها را به سوی محتواهای سالم و تقویت‌کننده هدایت کنند. راهکارهای زیر می‌توانند به والدین کمک کنند تا نه تنها بحران هویت دوران بلوغ را مدیریت کنند، بلکه به ایجاد هویتی سالم در فرزندشان کمک کنند:

آموزش تفکر انتقادی: به فرزندتان بیاموزید که همه اطلاعات را بدون بررسی نپذیرد و معیارهای اخلاقی و ارزشی را در انتخاب الگوها رعایت کند.

یادگیری مهارت‌های اجتماعی: تحقیقات نشان می‌دهند که نوجوانانی که روابط اجتماعی مثبت دارند، معمولاً هویت سالم‌تری دارند. مشارکت در فعالیت‌های گروهی مانند ورزش یا هنر می‌تواند به این هدف کمک کند. **مدیریت مصرف دیجیتال:** نظارت درست و بدون کنترل بر زمان و نوع محتوایی که نوجوانان در فضای مجازی مصرف می‌کنند، امری ضروری است.

تأمین گروه‌های مرجع سالم

فرزندتان را با افرادی که الگوی اخلاقی و حرفه‌ای مثبت هستند، آشنا کنید.

تقویت هوش هیجانی: ارتقای توانایی نوجوانان در مدیریت احساسات، باعث شکل‌گیری هویت مثبت خواهد شد.

